

بازار رمزارزها و سلطه اقتصادی بر جهان اسلام؛ از چالش تا راهکار

دریافت: ۱۴۰۴/۵/۲۰ تأیید: ۱۴۰۴/۷/۱۵ جواد سلطانی فرد* و احمد محمدی**

چکیده

قاعده «نفی سبیل» به‌عنوان یکی از قواعد کلیدی فقهی، با هدف صیانت از استقلال مسلمانان، چارچوب تعامل با کافران را تنظیم می‌کند تا مانع از سلطه‌پذیری در عرصه‌های مختلف گردد. با ظهور فناوری‌های نوین، تحلیل و تطبیق این قاعده پیچیده‌تر شده و نیازمند بازخوانی مجدد است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی ضمن واکاوی مستندات قاعده «نفی سبیل»، با هدف نسبت‌سنجی پدیده نوظهور «رمزارز» با قاعده موصوف و تأثیرات آن بر جهان اسلام، به تحلیل ابعاد مالکیت، کنترل و کارکرد این فناوری و سپس ارائه راهکار در این زمینه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ اولاً: بر خلاف نظر مشهور، آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» و روایت «الإسلام يعلو و لا يعلى عليه» نمی‌توانند پشتوانه‌ای برای قاعده فقهی «نفی سبیل» قرار گیرند؛ البته این به معنای عدم حجیت قاعده یادشده نبوده و مجموع روایات متعدد و خاصی که در ابواب مختلف فقهی وارد شده و تسلط یافتن کافر بر مسلمان را ممنوع اعلام کرده است را می‌توان مستند قاعده به شمار آورد. ثانیاً: رمزارزها ممکن است به جهات متعددی زمینه‌ساز سلطه اقتصادی کافران بر جهان اسلام شوند: ۱. مالکیت زیرساخت‌ها و دارایی‌های دیجیتال؛ ۲. کنترل فناوری بلاک‌چین؛ مانند صرافی‌های متمرکز و استیبل‌کوین‌ها؛ ۳. مصارف و کارکردهای رمزارزها؛ ۴. نفوذ فرهنگی؛ ۵. تضعیف پول ملی و ۶. تأثیرگذاری بر قوانین و سیاست‌های بین‌المللی. این پژوهش با ارائه راهکارهایی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ نظیر توسعه رمزارزهای بومی اسلامی، تشکیل اتحادیه مالی کشورهای مسلمان و تقویت همکاری‌های حقوقی، الگویی برای کاهش وابستگی و تحقق استقلال مالی در عصر دیجیتال پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی

قاعده نفی سبیل، سلطه اقتصادی، جهان اسلام، رمزارز

* استادیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید مطهری، تهران. ایران:

j.soltani.f@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته حوزه علمیه و دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و

انقلاب اسلامی، تهران. ایران: mohamadi.ahmad@ut.ac.ir

مقدمه

قاعده «نفی سبیل» یا به تعبیر کامل تر «قاعده نفی السبیل للکافر علی المسلم» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰) که گاه از آن با عنوان «قاعده العلو» یاد می شود (مؤسسه دائره المعارف الفقه الإسلامی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۳، ص ۶۶)، از قواعد مشهور فقهی و به معنای بسته بودن راه تسلط کافران؛ اعم از حربی و ذمی بر مسلمانان (محقق داماد، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷) در ابعاد فردی و اجتماعی و در حوزه های گوناگون نظامی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. بر این اساس، مقصود از نفی سبیل، نفی سلطه ظاهری نیست، بلکه بر پایه این قاعده، جعل هرگونه حکمی در شریعت اسلامی؛ اعم از عبادات و معاملات (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۷) - که موجب سلطه و برتری کافران بر مسلمانان شود - نفی گردیده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳-۲۴۲). این قاعده در فقه اسلامی؛ اعم از فقه شیعی و اهل تسنن به ویژه در روابط بین الملل (محقق داماد، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷)، پرکاربرد و کثیرالفروع به شمار می آید (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰). هم چنین در اصطلاح اصولیان به عنوان قاعده ای ثانوی بر ادله احکام اولیه حکومت دارد (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۲ و فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳-۲۴۲). بر همین اساس، قاعده موصوف ضامن حفظ استقلال اسلام و مسلمانان است و مطابق آن، هرگونه اقدامی که به این استقلال ضربه وارد سازد، تکلیفاً حرام خواهد بود. افزون بر این، اگر آن اقدام به عنوان اولی اثر وضعی داشته باشد، به تبع رفع حکم، اثر وضعی آن نیز منتفی می شود (مروی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۳۳). برای نمونه، بر اساس عمومات و اطلاقاتی هم چون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده (۵): ۱) و «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره (۲): ۲۷۵) باید فروش برده مسلمان به شخص کافر صحیح باشد؛ چراکه در متعاقدین اسلام شرط نیست، اما چون چنین معامله ای به تسلط یافتن کافر بر مسلمان می انجامد، بر اساس قاعده «نفی سبیل»، فقها آن را باطل دانسته اند. به همین دلیل، شماری از دانشمندان (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰)، این قاعده را در زمره «مبطلات عقود» آورده اند. نمونه دیگر، جریان یافتن این قاعده در مسأله ارث است: هر چند عمومات و اطلاقات آیات ارث، کافر را نیز در بر می گیرد، اما بر پایه مفاد قاعده

نفی سبیل، کافر از ارث مسلمان محروم می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۳).

مشهور فقها از قاعده «نفی سبیل»؛ گاهی در استنباط‌های فقهی، به‌عنوان دلیل مستقل و گاه به‌صورت دلیل تکمیلی بهره برده‌اند. نمونه بارز، جایی که هیچ دلیل فقهی دیگری جز همین قاعده وجود ندارد، منع وکالت کافر بر مسلمان است (محقق داماد، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴).

به اعتقاد برخی، سرّ اشتراط اسلام در بسیاری از احکام، مانند شرطیت اسلام برای مستحقان زکات پایبندی به مفاد این قاعده و جلوگیری از سلطه کفار است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰). این بدان معناست که خداوند، حتی به این مقدار نیز راضی نیست که کفار در اموال مسلمانان حقی پیدا کرده و مستحق زکات شوند.^۱ حتی در باب قصاص نیز به مفاد قاعده «نفی سبیل»، استناد شده است؛ چنان‌که علامه حلی بر این باور است که به دلیل آیه «نفی سبیل» مسلمان در مقابل کافر قصاص نمی‌شود (علامه حلی، ۱۹۸۲م، ص ۵۴۲).

در حقوق ایران با آن‌که تصریحی به قاعده «نفی سبیل» نشده است، برخی پژوهشگران (محقق داماد، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷ و طاهری، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰) بر این باورند که می‌توان ردّ پای این قاعده را در برخی قوانین مشاهده کرد. آنان معتقدند عباراتی مانند «نفی هرگونه ... سلطه‌پذیری» در اصل دوم، «جلوگیری از نفوذ اجانب» در اصل سوم، «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور» در اصل چهارم و سوم، «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها ... به خارجیان مطلقاً ممنوع است» در اصل هشتاد و یکم و «حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور» در اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی، برگرفته از مفاد قاعده یاد شده است. با این حال، به نظر می‌رسد این عبارات مفهومی عام‌تر از قاعده «نفی سبیل» دارند؛ زیرا اصطلاحاتی چون «سلطه‌پذیری»، «اجانب» و «بیگانه»، «خارجیان» و «حفظ استقلال»، تنها به کافران اختصاص ندارد، بلکه ممکن است شامل مسلمانان دیگر کشورها نیز بشود؛ درحالی‌که قاعده «نفی سبیل» صرفاً به رابطه مسلمانان با کافران مربوط است. به دیگر بیان، این اصول بیش‌تر ناظر به

حفظ استقلال کشور در برابر بیگانگان (اعم از کافر و مسلمان) هستند، نه به روابط فردی میان مسلمان و کافر؛ از این رو، نمی‌توان قاعده «نفی سبیل» را به‌طور خاص پشتوانه این اصول دانست.

وضعیتی مشابه در قانون مدنی نیز دیده می‌شود. برخی (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۰-۴۱) پنداشته‌اند که ممنوعیت‌هایی مقرر برای اتباع خارجی - در زمینه‌هایی چون خرید و فروش و نکاح (مانند مواد ۸، ۹۶۱ و ۱۰۶۰) - با تکیه بر این قاعده وضع شده است؛ حال آن‌که باید توجه داشت «اتباع خارجی» اعم از کافران و مسلمانانند.

البته در میان مواد قانونی، موادی یافت می‌شود که می‌توان با اطمینان بیش‌تری آن‌ها را مستند به قاعده «نفی سبیل» دانست؛ از جمله ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست» و ماده ۱۹۲ قانون یادشده که بیان می‌کند: «ولیّ مسلم نمی‌تواند برای امور موآلی علیه خود وصیّ غیر مسلم معین کند».

یکی از مواردی که جریان یافتن این قاعده در آن، محل تردید است و در عین حال تأثیرات اقتصادی چشم‌گیری بر جامعه اسلامی دارد، پدیده «رمزارزها» و نقش این ارزها در مبادلات جهانی، به‌ویژه در جوامع اسلامی است.

با توجه به این‌که دست کم برخی از این ارزها - مانند بیت‌کوین^۲ - امروزه به‌طور جدی به‌عنوان پول و واسطه در مبادلات به کار می‌روند و از سوی دیگر، مرجع ایجادکننده آن‌ها و احتمال وجود اغراض خاص نزد طراحان‌شان هنوز مشخص نیست و هم‌چنین با در نظر گرفتن این‌که سلطه این ارزها می‌تواند بر اقتصاد کشورهای اسلامی و کاهش تدریجی نقش پول‌های ملی مسلمانان آثار اقتصادی گسترده‌ای بر نظام مالی آنان؛ از جمله وابستگی به غیر مسلمانان، بر جای بگذارد، ضروری است ابتدا معنای قاعده و گستره آن روشن شود و سپس به امکان‌سنجی جریان یافتن آن در معاملات رمزارزها و ارائه راهکار در این زمینه پرداخته شود.

مدرک قاعده «نفی سبیل»

برای اثبات اعتبار قاعده «نفی سبیل»، به ادله‌ای استناد شده است که در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها بررسی می‌شود.

کتاب

در میان آیات قرآن کریم، برای قاعده «نفی سبیل» به آیاتی؛ مانند آیه ۲۸ سوره آل عمران، ۱۴۴ سوره نساء، ۱۱۳ سوره هود و ۸ سوره منافقون استناد شده است. اما در این میان، بخش پایانی آیه ۱۴۱ سوره نساء - که با عنوان «آیه نفی سبیل» شناخته می‌شود - در میان فقها بیش از دیگر آیات به‌عنوان پشتوانه قاعده «نفی سبیل» مورد استناد قرار گرفته و از دیرباز محور بحث‌های فقهی و تفسیری در این زمینه بوده است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَتَمْنَعَكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می‌برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می‌گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنایم جنگی بپردازید.] و اگر برای کافران بهره‌ای اندک [از غلبه و پیروزی] باشد، به آنان می‌گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلط نبودیم؟ [ولی دیدید که از ضربه‌زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [از آسیب و زیان مؤمنان] مانع می‌شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید.] خدا روز قیامت میان شما داوری می‌کند و خدا هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نخواهد داد.

این آیه مهم‌ترین دلیلی است که بسیاری از فقهای فریقین در کتب خود برای قاعده «نفی سبیل» آورده‌اند؛ حتی برخی مدعی شده‌اند که این آیه تنها مدرک قاعده است (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۹۴). بر اساس آیه، نفی سلطه کافران بر مسلمانان در

همه احکام جاری است، مگر آن مواردی که با دلیل شرعی استثنا شود (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۵۴).

بر پایه بررسی‌های موجود، به نظر می‌رسد نخستین فقیهی که به این آیه استناد کرده، ماوردی (متوفای ۴۵۰ق) - از بزرگ‌ترین قضات دولت عباسی و از فقهای شافعی - بوده است. او در باب ششم «أحكام السلطانية» با عنوان «فی ولاية القضاء»، با استناد به این آیه، «اسلام» را از شروط لازم قاضی می‌داند (ماوردی، بی‌تا، ص ۹۰). جوینی (متوفای ۴۷۸ق)، دیگر فقیه شافعی نیز به استناد این آیه، اتخاذ جلد مشرک برای اقامه حدود بر مسلمانان را بر امام ممنوع می‌داند (جوینی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۷، ص ۱۵۴). در همین دوره، به نظر می‌رسد نخستین فقیه شیعی که به این آیه تمسک کرده، شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق) است. او از این آیه برای نفی حق شفعه ذمی بر ضد مسلمان بهره برده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۹). پس از او فقهای هم‌چون ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۰)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۹۷)، محقق ثانی (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۰۰)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۴۶۶) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص ۲۹۴) نیز برای اثبات نفی سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده‌اند.

مفهوم‌شناسی واژه «سبیل»

سبیل در لغت به معنای «طریق» و «راه» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۱۹ و ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۳۸). این واژه در آیه شریفه نیز در همین معنای لغوی خود به کار رفته است؛ با این تفاوت که در مواردی که بر یک راه مادی دلالت دارد، در معنای حقیقی استعمال شده و در مواردی؛ مانند «سبیل‌الله» و «سبیل‌النجاه» که بیانگر راهی معنوی است، به صورت مجازی به کار رفته است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۱). حتی کاربرد «راه» در معنای «حجت» نیز از مصادیق همان معنای لغوی و از باب «جری و تطبیق» است (خویی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۸۷-۸۶)؛ زیرا حجت و دلیل نیز نوعی راه به‌شمار می‌آید.

با مطالعه آیات مشابه در قرآن کریم، می‌توان مفهوم «سبیل» در آیه مورد بحث را به دست آورد:

«مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (توبه(۹): ۹۱)، «فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ» (شوری(۴۲): ۴۱-۴۲)، «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ» (توبه(۹): ۹۳)، «فَإِنْ أَطَعْتُمْ فَلَآ تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (نساء(۴): ۳۴) و «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء(۴): ۹۰).

از مجموع این آیات، معنای مشترکی به دست می‌آید و آن این‌که هرگاه «سبیل» با حرف «علی» به کار رود، مفهومی جز «حاکمیت، استیلا و سلطه» ندارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۹-۲۸). یکی از معاصران می‌نویسد:

«السبيل إلى الشيء» غیر از «السبيل على الشيء» است و اولی ظاهر در وصول به ذات شیء و استیلا بر آن است و دومی ظاهر در قدرت بر تصرف در آن است. پس [با توجه به آن‌که در آیه شریفه حرف «علی» به کار رفته است] حمل آیه بر معنای دوم متعین بوده و آیه بر نفی سلطنت بر تصرف در مسلمان دلالت می‌کند (حکیم، بی‌تا، ص ۳۱۴ و ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۸۷).

از همین روی، محقق بجنوردی نیز می‌گوید:

المراد من السبيل هي السلطنة (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۵).

دیدگاه برگزیده در باره مفاد آیه «نفی سبیل»

با این‌که مشهور فقها از آیه شریفه بهره‌برداری فقهی کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۸-۱۷۷ و موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۰)، اما به نظر می‌رسد آیه شریفه - همان‌گونه که علامه طباطبایی با استناد به قرینه سیاق استدلال کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۱۱۶) -، تنها ناظر به قیامت است؛ بدین معنا که هرچند کافران در دنیا از راه‌هایی هم‌چون قتل، غارت و اسارت بر مؤمنان غلبه می‌یافتند، اما در قیامت خداوند اجازه نمی‌دهد این گروه از هیچ راهی بر

مؤمنان تسلط یابند (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۶۴ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۶) یا بر ضد آنان حجت و استدلالی اقامه کنند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۹). بنابراین، آیه شریفه با دنیا و به‌ویژه عالم تشریح ارتباطی ندارد و استفاده فقهی از آن دشوار است؛ از این رو، نمی‌تواند مستندی برای قاعده «نفی سیل» باشد. آنچه چنین ادعایی را مستدل می‌کند، آن است که - بر خلاف نظر برخی که «قرینه سیاق» را «اضعف‌القرائن» می‌دانند (مروی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۳۵) - در آیه شریفه، فقره «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» به ماقبل خود؛ یعنی «...فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» عطف شده است و این سیاق نشان می‌دهد ظرف تحقق آیه شریفه قیامت است، نه دنیا (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۴۸ و انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸۴).

شماری از دانشمندان اختصاص آیه به قیامت را نپذیرفته و معتقدند اگر فقره یادشده در مورد قیامت باشد، چنین اخباری هیچ فایده‌ای ندارد؛ چراکه فقره پیشین «...فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» همان معنا را می‌رساند (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۰۹). به نظر می‌رسد این بیان تام نیست؛ زیرا فقره نخست به داوری خداوند اشاره دارد و فقره دوم نتیجه آن داوری را بیان می‌کند، پس تکرار بی‌فایده نیست.

گروهی دیگر بر این باورند که هرچند در صدر آیه از قیامت سخن رفته، مورد مخصص نبوده و موجب برگرداندن کبرا در خصوص آخرت نمی‌گردد (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۴). در پاسخ باید گفت ظاهراً این ادعا که جمله «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» به‌مثابه یک کبرا و قاعده‌ای کلی باشد، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا استعمال حرف «لن» - که برای مستقبل منفی مؤکد به کار می‌رود - مانع از برداشت یک اصل فراگیر می‌شود. بنابراین، مورد آیه تنها زمانی قابل توسعه است که قرینه‌ای بر خلاف وجود نداشته باشد؛ درحالی‌که «لَنْ يَجْعَلَ» از چنین وسعت مفهومی برخوردار نیست که بتوان آن را قاعده‌ای کلی به شمار آورد. به‌علاوه، درست است که واژه «سبیلًا» نکره بوده و در حیّز نفی (لَنْ يَجْعَلَ...) قرار گرفته و از این رو، مفید عموم است (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۵۴)، اما این عموم، تنها به انواع سلطه و غلبه مربوط می‌شود و شامل ظرف زمانی آیه نمی‌شود؛ از این رو، نمی‌توان آیه را؛ هم به دنیا و هم به

آخرت تعمیم داد. از همین جا روشن می‌شود این‌که «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» انشا باشد یا اخبار از وعاء تشریح نیز سخن نادرستی است؛ زیرا اگر خداوند می‌خواست یک حکم شرعی کلی را بیان کند، مانند آیه شریفه «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حجج (۲۲): ۷۸)، مثلاً از فعل ماضی «ما جَعَلَ» (قرار نداده است) استفاده می‌کرد، نه از فعل مستقبل «لَنْ يَجْعَلَ» (قرار نخواهد داد).^۳

افزون بر این، سیاق آیه شریفه آبی از تخصیص است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸۴). اگر آیه به آخرت اختصاص نداشته باشد - خواه به دنیا منحصر شود یا شامل دنیا و آخرت گردد - علاوه بر عدم هم‌سانی معنایی با صدر آیه شریفه، لازمه‌اش تخصیص خوردن آن و خارج شدن احتمال «جعل تکوینی و سلطه خارجی» از شمول آیه است؛^۴ درحالی‌که باید آیه به گونه‌ای تفسیر شود که از تخصیص مصون بماند؛ یعنی به قیامت ناظر باشد. شیخ انصاری نیز با توجه به همین نکته و قید «یوم‌القیامة» در بخش پیشین، معتقد است آیه را باید ناظر به روز قیامت دانست (همان). بر این اساس، مقصود آیه نفی سبیل آن است که خداوند در آخرت هیچ‌گونه سلطه‌ای به نفع کافران بر ضد مؤمنان قرار نخواهد داد.

با این توضیحات روشن می‌شود که این آیه صلاحیت استناد به‌عنوان دلیل قاعده «نفی سبیل» را ندارد؛ مفاد آن منحصر به آخرت است و شامل روابط تشریحی در دنیا نمی‌شود. از همین رو، شیخ انصاری می‌نویسد:

اما در باره آیه، جای اشکال در آن بسیار است؛ گاه از حیث دلالت خود آیه - هرچند با قرینه سیاق آن... یا با توجه به جمله پیشین که بر این دلالت دارد که مراد، نفی جعل در آخرت است - و گاه از جهت تفسیر آن در برخی روایات که [مفاد آیه را] نفی حجّت برای کافران بر مؤمنان دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸۴).^۵

سنت

مهم‌ترین روایتی که به‌عنوان پشتوانه قاعده «نفی سبیل» بدان استناد شده «حدیث

اعتلاء» است. شیخ صدوق (قرن چهارم) این روایت را در کتاب «من لایحضره الفقیه» در «باب میراثِ اهلِ المِلَل»، بدون ذکر سند، از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل می‌کند:

... مع قوله ﷺ: «الإسلام یعلو و لایعلی علیه» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴)؛ اسلام برتر است و هیچ آیینی بر آن چیره نمی‌شود.

شیخ صدوق در مسأله ارث‌بردن مسلمان و کافر از یکدیگر، با استناد به این روایت و چند حدیث دیگر، معتقد است کافر از مسلمان ارث نمی‌برد (همان). برخی از فقها مفاد این روایت را تنها مربوط به باب ارث دانسته‌اند، اما شماری دیگر بر آنند که علو و برتری یادشده در حدیث، اختصاصی به ارث ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۲۰) و می‌تواند مستند قاعده «نفی سبیل» باشد (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص ۷۷). محقق بجنوردی نیز معتقد است این حدیث به قرینه ظاهر حال، در مقام تشریح است؛ بدین معنا که اسلام در مقام قانون‌گذاری همواره موجب برتری مسلمان بر غیر مسلمان می‌شود و امکان ندارد تشریح هیچ حکمی از احکام اسلام، سبب سلطه کافر بر مسلمان گردد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۰).

نقد و بررسی

بر اساس تتبع، جمله «الإسلام یعلو و لایعلی علیه» برای نخستین بار - آن هم بدون تکمله «علیه» - توسط ابو عبید خزاعی، از دانشمندان برجسته اهل تسنن در قرن دوم و سوم، نقل شده است (ابو عبید، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۵). پس از او، دو دانشمند معاصر او؛ یعنی ابن زنجویه (ابن زنجویه، ۱۴۲۷ق، ص ۱۳۷) و بخاری (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۰۸) همین جمله را از ابن عباس آورده‌اند. نکته مهم آن است که در هیچ‌یک از این منابع، این جمله به پیامبر اکرم ﷺ نسبت داده نشده، از این رو، نمی‌توان این جمله را روایت شده از معصوم دانست. حتی اگر فرض شود از معصوم نقل شده باشد، روایت مرسل بوده و قابل اعتماد نیست. بر همین اساس و از باب «تَبَتِ الْأَصْلِ ثَمَّ انْقُشَ» لازم است - بر خلاف برخی فقها (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۳ به بعد) که مستقیماً و به تفصیل به بررسی دلالتی این جمله پرداخته‌اند - در ابتدا صدور

آن احراز گردد، سپس در باره مفاد و دلالت آن سخن گفته شود. محقق خویی نیز علاوه بر آن که سند این روایت را ضعیف می‌داند، محتوای آن را مجمل دانسته و استدلال به آن را روا نمی‌داند (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۵۲). سید یزدی نیز با ذکر پنج احتمال در باره معنای حدیث، در عمل با محقق خویی هم‌داستان است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۱).

با وجود این، می‌توان نصوص خاصی را که در ابواب مختلف فقه وارد شده و هرگونه ولایت یا سلطه کافر بر مسلمان را نفی کرده‌اند - بر فرض صحت صدور - به‌عنوان مستند روایی قاعده «نفی سبیل» پذیرفت؛ مانند روایاتی که دال بر عدم جواز تزویج زن مسلمان با مرد کافر است (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۹ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۳۳۹)، روایاتی که بیانگر عدم جواز فروش برده مسلمان به کافر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۳۲)، روایاتی که بیانگر ارث‌نبردن کافر از مسلمان است (همان، ص ۱۴۳) یا روایاتی که در باب ولایت بر مسلمان، اسلام را شرط دانسته و تصریح می‌کند: «لا ولاية لكافر علی مسلم» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۱۹). هم‌چنین روایتی که از حضرت صادق علیه السلام در باب شفعه نقل شده است که «لیس للیهود و النصارى شفعة» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۶۶) نیز از همین دست است. برخی از دانشمندان معتقدند با تنقیح مناط از این ادله خاص، می‌توان دریافت که شارع مقدس به هیچ‌وجه به سلطه کافر بر مسلمان رضایت نداده است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۲).

تا این‌جا بحث می‌توان نتیجه گرفت که هرچند التزام به مفاد قاعده «نفی سبیل» پذیرفتنی است، اما پشتوانه آن - بر خلاف نظر مشهور - نه آیه «نفی سبیل» و نه روایت «الاسلام یعلو و لایعلی علیه»، بلکه مجموعه‌ای از روایات خاص است که در ابواب گوناگون فقهی وارد شده و به‌صراحت تسلط کافران بر مسلمانان را ممنوع اعلام کرده‌اند. این روایات به دلیل عدم اختصاص به بابی خاص، با تنقیح مناط قطعی، قابل تعمیم به دیگر ابواب فقه نیز خواهند بود.

سلطه اقتصادی و نفی آن با قاعده «نفی سبیل»

باید دانست که مقصود از قاعده «نفی سبیل»، نفی هرگونه ارتباط و تعامل مؤمنان با کفار نیست، بلکه اصل اولی در رابطه با دولت‌های غیر مسلمان، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است. نفی سبیل، تنها آن نوع ارتباط و تعاملی را منع می‌کند که به سلطه و غلبه کافران بر مؤمنان بینجامد. توضیح آن‌که ممکن است مؤمنان در قالب‌های گوناگون؛ مانند حکومت‌ها، اشخاص حقوقی دولتی و غیر دولتی (از جمله سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات) و نیز اشخاص حقیقی با کافران ارتباط داشته باشند. اگر هر یک از این روابط به چیرگی یا تسلط کافران بر مؤمنان منجر شود، بر پایه قاعده «نفی سبیل» ممنوع است.^۶

توجه به معنای واژه «سبیل» در آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء - بر فرض پذیرش استناد قاعده به آن - این برداشت را به‌خوبی تأیید می‌کند؛ زیرا «سبیل» به معنای «راه» است و هنگامی که با «علی» به‌کار رود، به معنای «راه سلطه» خواهد بود. با توجه به نکره‌بودن واژه «سبیل» و استفاده عموم از آن، این سلطه می‌تواند جنبه‌های گوناگون داشته باشد. بارزترین انواع سلطه عبارتند از: ۱. سلطه نظامی؛ ۲. سلطه سیاسی؛ ۳. سلطه فرهنگی و ۴. سلطه اقتصادی. بی‌تردید قاعده نفی سبیل، تمامی اقسام سلطه را نفی می‌کند. هرچند این ابعاد به‌گونه‌ای به یکدیگر مرتبطند و ایجاد سلطه در یک بُعد می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در دیگر ابعاد اثر بگذارد، اما پژوهش حاضر به‌طور خاص در حوزه اقتصاد و امور مالی نگاشته شده است. بنابراین، آنچه در مبادلات امروزی - به‌ویژه در خرید و فروش رمزارزها - اهمیت مستقیم دارد، «سلطه اقتصادی» است؛ سلطه‌ای که می‌تواند بسیار خطرناک باشد و حتی زمینه را برای سلطه سیاسی فراهم سازد. بی‌شک، اگر کافران بر سرمایه‌ها و منابع تولید کشورهای اسلامی تسلط یابند و بازار مصرف آنان را در اختیار بگیرند، ادامه حیات آن کشور و چگونگی آن کاملاً به تصمیم آنان وابسته خواهد شد. چنین وضعی به معنای وابستگی مؤمنان به کافران است و بر پایه قاعده نفی سبیل از آن نهی شده است.

بر همین اساس، شایسته است مؤمنان در روابط مالی و اقتصادی خود - به‌ویژه

در معاملات نوین و در بستر فضای مجازی - به گونه‌ای عمل کنند که راه هرگونه سلطه‌پذیری بسته شود.

بررسی جریان قاعده «نفی سییل» در رمزارزها

قاعده «نفی سییل» که بر منع سلطه و برتری غیر مسلمانان - اعم از افراد و حکومت‌ها - بر مسلمانان دلالت دارد، به‌عنوان یک اصل راهبردی در حوزه‌های مختلف؛ از جمله سیاست، اقتصاد، روابط بین‌الملل و حتی تکنولوژی‌های نوین قابل بررسی است. یکی از نمونه‌های نوظهور و مهم در این زمینه، پدیده «رمزارزها»^۷ است که با ماهیت فرامرزی، فناورانه و اغلب غیر متمرکز خود، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را پیش روی جوامع مسلمان قرار داده است. رمزارزها نه تنها ابزار تازه‌ای برای مالکیت و انتقال ارزشند، بلکه به‌مثابه زیرساختی نو برای خلق و کنترل پول نیز مطرحند. پرسش اصلی این است که آیا ماهیت و کارکرد رمزارزها به گونه‌ای است که موجب سلطه و نفوذ بیگانگان بر جوامع اسلامی شده و مصداق نقض قاعده نفی سییل به شمار آید؟ برای پاسخ به این پرسش، لازم است ابعاد مختلف این فناوری نوظهور با دقت بررسی شود و با توجه به اهمیت موضوع، راهکارهایی برای کاهش یا پیش‌گیری از آثار منفی احتمالی آن نیز ارائه گردد.

با این حال، مقدمتاً باید دانست که موضوعات احکام شرعی از نظر روش شناخت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته نخست: ماهیات مخترعه شرعیه؛ مانند نماز، روزه و حج که برای شناخت آنها باید به بیان شارع مقدس مراجعه کرد.

دسته دوم: ماهیات غیر مخترعه شرعیه؛ مانند خمر، خون و ظرف که برای تشخیص آنها باید به عرف عام (البته عرف عام دقیق، نه عرف مسامحه‌گر) مراجعه نمود.

در دسته دوم از موضوعات، هنگامی که در تشخیص مصداق خارجی تردید شود (مثلاً آیا یک ظرف آبکاری شده با طلا مصداق ظرف طلا محسوب می‌شود؟)، دو حالت پیش می‌آید: اگر مصداق ساده و برای عرف عام روشن باشد، نظر عرف معتبر است، اما

اگر مصداق پیچیده باشد و عرف عام در تشخیص آن متحیر بماند، باید به عرف خاص (نظر کارشناسان آن حوزه) مراجعه کرد (مروی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۴۸).

در مسأله رمزارزها (مثلاً این که آیا بیت کوین مصداق سلطه کافران بر مسلمانان می شود؟)، از آن جا که موضوعی پیچیده و تخصصی است، تشخیص آن باید به عهده کارشناسان مربوطه (هم چون اقتصاددانان، متخصصان امنیتی و فنی) گذاشته شود. کارشناسان موظفند با تحلیل دقیق اشکالات و شبهات در این زمینه، مشخص کنند که آیا فعالیت های رمزارزی مصداق سلطه بوده و مشمول قاعده نفی سبیل می شوند؟ نتیجه این بررسی ها مبنای تعیین تکلیف شرعی مکلفان و سیاست گذاری های کلان خواهد بود. در همین راستا، مهم ترین چالش هایی که در ارتباط با رمزارزها و قاعده «نفی سبیل» مطرح بوده و نیازمند بررسی تخصصی کارشناسان است، عبارتند از:

مالکیت در رمزارزها و سلطه بر مسلمانان

در تحلیل تطبیقی این قاعده نسبت به رمزارزها، یکی از مهم ترین محورها، بحث مالکیت در این حوزه است. این مسأله زمانی پیچیده تر می شود که برخی از رمزارزها - به ویژه آن هایی که به طور متمرکز اداره می شوند - می توانند بستری برای ایجاد سلطه اقتصادی یا حتی فرهنگی بر جوامع مسلمان فراهم کنند. اساساً در این رابطه باید بررسی کرد چه کسی مالکیت رمزارزها را بر عهده دارد. آیا در ساختار رمزارزهایی هم چون بیت کوین، اکثریت قدرت در اختیار غیر مسلمان ها و دشمنان اسلام است؟ آیا از نظر فقهی، این مشارکت می تواند منجر به تحقق سلطه اقتصادی بر مسلمانان شود؟ بحث مالکیت رمزارزها و سلطه کفار بر مسلمانان ممکن است به دو شکل مطرح شود: یکی «مالکیت بر زیرساخت های رمزارزها» و دیگری «مالکیت بر حجم بیش تری از رمزارزها».

الف) مالکیت بر زیرساخت های رمزارزها: در طراحی رمزارزها از فناوری رمزنگاری استفاده شده است؛ عملیات رمزنگاری با کد کردن اطلاعات از طریق الگوریتم های پیچیده ریاضی انجام می شود که این امر به افزایش امنیت ارزهای

رمزی کمک می‌کند. به اعتقاد برخی پژوهشگران، رمزارزها غیر متمرکز هستند (حاجی‌ملا میرزایی، ۱۳۹۹، ص ۴۸)؛ یعنی توسط هیچ حکومت، سازمان یا ارگان خاصی کنترل نمی‌شوند و هیچ شخص یا نهادی توان کنترل یا دست‌کاری در آن‌ها را ندارد. به همین جهت، آنان معتقدند با توجه به آن‌که سامانه بیت‌کوین یک سامانه غیر متمرکز است و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی منفعتی مستقیم از آن نمی‌برد، هم‌چنین در مورد استفاده یا عدم استفاده از آن هیچ محدودیتی نمی‌توان اعمال کرد، بنابراین، بیت‌کوین موجب سلطه کفار بر مسلمانان نخواهد شد (همان، ص ۱۷۷).

به نظر می‌رسد این‌که رمزارزها به‌طور مطلق غیر متمرکز یا حتی متمرکز تلقی شوند، صحیح نیست، بلکه بر خلاف تصور عمومی، میزان متمرکز بودن یا نبودن آن‌ها در طیفی گسترده قرار می‌گیرد (weareinnovation, 2022).^۸ در یک سر این طیف، رمزارزهای کاملاً غیر متمرکز، مانند بیت‌کوین قرار دارند که هیچ نهاد مرکزی کنترل‌کننده‌ای ندارند، استخراج آن‌ها توسط مشارکت‌کنندگان جهانی انجام می‌شود و هر تغییری در پروتکل آن‌ها نیاز به اجماع اکثریت دارد. در مقابل، رمزارزهای متمرکز؛ مانند ریپل^۹ و تتر^{۱۰} وجود دارند که کاملاً توسط شرکت‌های خاصی کنترل می‌شوند، از سرورهای مرکزی استفاده می‌کنند و تمام تصمیمات توسط تیم مدیریتی آن‌ها گرفته می‌شود. بین این دو دسته، رمزارزهای نیمه‌متمرکز، مانند اتریوم^{۱۱} قرار می‌گیرند که اگرچه ویژگی‌های غیر متمرکز دارند، اما نهادهایی، مانند «بنیاد اتریوم»^{۱۲} در آن‌ها نقش نظارتی ایفا می‌کنند، توسعه‌دهندگان اصلی تأثیر قابل توجهی دارند و مکانیسم‌های حاکمیتی خاصی در آن‌ها وجود دارد (geeksforgeeks, 2025).^{۱۳}

با تحفظ بر این نکته، مسأله‌ای که وجود دارد، آن است که اگر مالکیت ساختار رمزارزها - به‌ویژه آن دسته که متمرکز هستند - در دست اشخاص یا نهادهای خاصی باشد، می‌توانند در صورت لزوم با حذف یا محدودسازی دسترسی کاربران، بر این فضا تسلط یابند. البته تا کنون کسی ادعای مالکیت بر کلیت این زیرساخت‌ها را مطرح نکرده است، بنابراین، برای کشف اسرار مربوط به آن باید به قرائنی که در این زمینه وجود دارد، توجه نمود.

در همین راستا، گمانه‌زنی‌های متعددی در باره هویت و اهداف پشت پرده خالق بیت‌کوین مطرح شده است. برای نمونه، ادعای نقش داشتن ایالات متحده آمریکا در ایجاد بیت‌کوین، در حال حاضر تنها در حد یک فرضیه باقی مانده و شواهد قطعی برای اثبات آن وجود ندارد. علاوه بر احتمال دخالت NSA یا CIA، گمانه‌زنی‌های دیگری نیز وجود دارد. به عنوان مثال، برخی معتقدند بیت‌کوین به دست گروهی از مهندسان حزب کمونیست چین ساخته شده تا بر جهان تسلط یابند. برخی دیگر نیز ادعا می‌کنند بیت‌کوین کار بیگانگان خیرخواهی است که قصد دارند با آن به تکامل بشر کمک کنند (cointelegraph, 2023).^{۱۴}

نامشخص بودن هویت ساتوشی ناکاموتو - خالق بیت‌کوین - همراه با گسترش روزافزون این رمزارز و برخی دیگر از رمزارزها و افزوده شدن بیت‌کوین به پلتفرم‌های مختلفی هم‌چون «متاورس» - که سودای تسخیر جهان را در سر دارند - فضا را برای اظهار نظرهای گوناگون مهیا نموده و سیاست‌مداران را در طراحی راهبردها با تردیدهایی مواجه ساخته است. در این میان، ادعای ارتباط نام «ساتوشی ناکاموتو» با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا نیز چندان قوی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه این نامی متداول در ژاپن است و بعید به نظر می‌رسد که آژانس‌های اطلاعاتی از چنین روش آشکاری استفاده کنند (cointelegraph, 2023).^{۱۵}

با این همه، نمی‌توان برخی شواهد غیر قطعی که احتمال نقش آمریکا را تقویت می‌کنند، نادیده گرفت. برای مثال، الگوریتم امنیتی به‌کاررفته در بیت‌کوین توسط ریاضیدانی به نام «گلن.ام. لیلی»^{۱۶} تحت مدیریت آژانس امنیت ملی آمریکا توسعه یافته و در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر شد. نکته قابل تأمل آن‌که لیلی بعدها به ریاست تحقیقات ریاضی همین سازمان منصوب گردید. هم‌چنین در سال ۱۹۹۶ میلادی سیستمی شبیه به بیت‌کوین را معرفی کرد و در مقاله‌ای با عنوان «چگونه سکه ضرب کنیم: رمزنگاری پول الکترونیک ناشناس»^{۱۷} پرداخت‌های ناشناس با استفاده از کلید عمومی رمزنگاری را پیشنهاد کرد (cointelegraph, 2023).^{۱۸} نکته دیگر آن‌که اکثر پست‌ها و ایمیل‌های ناکاموتو در ساعات خاصی ارسال شده‌اند که ممکن است نشان‌دهنده حضور او در قاره

آمریکا باشد (coinary, 2023).^{۱۹} هم‌چنین استفاده ناکاموتو از اصطلاحات انگلیسی بریتانیایی، برخی را به این نتیجه رسانده است که او ممکن است از بریتانیا یا یکی از کشورهای مشترک‌المنافع باشد؛ هرچند که این احتمال می‌رود که موارد پیش‌گفته تلاشی برای پنهان کردن هویت واقعی او یا نتیجه یک آموزش بین‌المللی باشد (coinary, 2023).^{۲۰}

اگرچه این شواهد می‌توانند نشان‌دهنده نقش احتمالی آمریکا در پایه‌گذاری این فناوری باشند، اما هیچ‌کدام به‌طور قطعی این ادعا را اثبات نمی‌کنند. در نهایت، با فرض صحت چنین مدعایی و ادعاهایی شبیه به آن (مانند ورود بی‌رویه رمزارزها بدون نظارت حاکمیت و در نتیجه، احتمال تضييع حقوق آحاد جامعه و ثروت‌های ملی) (مجبی پور، ۱۴۰۱، ش ۵، ص ۳۳۵۸)، به نظر می‌رسد تحلیل موضوع با قاعده فقهی «نفی سبیل» وجیه‌تر از قاعده «نفی ضرر» باشد؛ زیرا سلطه یک قدرت خارجی بر یک بازار مالی، لزوماً به معنای آسیب مستقیم به دارایی‌های هر یک از فعالان آن بازار نیست و به عوامل دیگری نیز بستگی دارد.

سابقه تلخ تسلط دلار بر بازارهای جهانی و اعمال نفوذ فراوان آمریکا از این طریق بر کشورهای مسلمان و ظهور علائم سقوط دلار و افزایش تمایل کشورها به دلارزدایی از مناسبات اقتصادی و هم‌زمانی تقریبی این اتفاق با گسترش رمزارزها، چراغ‌های هشدار را هر چه بیشتر در کشورهای مسلمان برای قانونی کردن این رمزارزها روشن کرده است. این نگرانی‌ها ناشی از آن است که ممکن است رمزارزها به‌جای آن‌که راهکاری برای رهایی از سلطه دلار باشند، در واقع شکلی نوین از همان سلطه در پوششی فناورانه باشند.

ب) مالکیت بر حجم بیشتر از رمزارزها: سلطه در رمزارزها تنها از طریق مالکیت بر زیرساخت‌ها اتفاق نمی‌افتد، بلکه می‌تواند با دراختیارداشتن اکثر رمزارزها نیز محقق شود. هرچه دارایی محدودتر باشد، کسی که بیش‌ترین سهم را در اختیار دارد، قدرت بیشتر برای تعیین قیمت و اعمال نفوذ خواهد داشت. بنابراین، برای مثال، اگر بیش‌ترین دارایی بیت‌کوین در اختیار کشوری قرار گیرد، می‌تواند با قیمت‌گذاری‌های

دلخواه، بر کشورهای دارنده این رمزارز اعمال سلطه نماید و با استعمار نوین و نوسان‌گیری از افزایش و افت قیمت ساختگی بسیار بالایی که این رمزارز دارد، ضمن آن‌که خود سود سرشاری به دست آورد، ثبات اقتصادی کاربران وابسته را در هم شکنند. ضمن این‌که هژمونی یک رمزارز بر بخش زیادی از دارایی کشور، یک تهدید امنیتی نیز به شمار می‌رود (حاجی‌ملا میرزایی و همکاران، ۱۴۰۱، ش ۲۵، ص ۱۵۶).

به‌طور کلی ۲۱ میلیون بیت‌کوین می‌تواند در دنیا وجود داشته باشد که آمار زیر نشان می‌دهد تا اکتبر ۲۰۲۵ حدود ۲۰ میلیون از آن استخراج شده است:

تعداد کل بیت‌کوین‌های موجود	۱۹,۹۳۰,۳۴۶,۸۷۵
تعداد بیت‌کوین باقی‌مانده برای استخراج	۱,۰۶۹,۶۵۳,۱
درصد بیت‌کوین‌های صادر شده	۹۴,۹۰۶٪
تعداد بیت‌کوین‌های تولیدشده در هر روز در دوره فعلی	۴۵۰

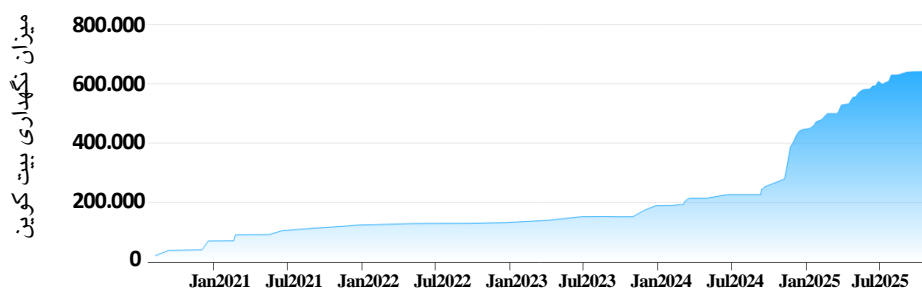
جدول شماره یک^{۲۱}

بررسی‌ها نشان می‌دهد تا اواسط سال ۲۰۲۵ بیش‌ترین ذخیره بیت‌کوین برای کشور آمریکا با حدود ۲۰۷,۱۸۹ بیت‌کوین و پس از آن کشور چین با حدود ۱۹۴,۰۰۰ بیت‌کوین است. بریتانیا با ۶۱,۲۴۵ بیت‌کوین، اوکراین با ۴۶,۳۵۱ بیت‌کوین، بوتان با ۱۱,۹۲۴ بیت‌کوین و السالوادور با ۶,۲۲۹ بیت‌کوین در رتبه‌های بعدی قرار دارند (cointelegraph, 2025).^{۲۲} نکته قابل توجه آن‌که بخش عمده‌ای از دارایی بیت‌کوین تنها به دولت آمریکا ختم نمی‌شود؛ شرکت‌ها و اشخاص حقیقی آن کشور نیز جزو بزرگ‌ترین دارندگان بیت‌کوینند. برای مثال، در صدر شرکت‌های سهامی عام مالک بیت‌کوین، نام شرکت آمریکایی میکرواستراتژی^{۲۳} به چشم می‌خورد که تا تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵ مالک تعداد ۶۳۸,۹۸۵ بیت‌کوین؛ یعنی ۳,۰۴۳٪ از ۲۱ میلیون بیت‌کوین است. در ادامه، نمودار مربوط به روند رشد دارایی‌های بیت‌کوین این شرکت آورده شده است:

نمودار ذخایر بیت کوین و تاریخچه خریدهای شرکت MicroStrategy

نهاد	کشور	صرافی: نماد	منابع و گزارشها	تعداد بیت کوین	ارزش امروز	درصد از کل بیت کوین
Strategy(MicroStrategy)	USA	MSTR:NADQ	filing	638.985	\$73.89 B	3.043%

نگهداری بیت کوین در طول زمان



نمودار شماره یک^{۲۴}

همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهد، ایالات متحده نه تنها از رهگذر دارایی‌های دولتی، بلکه با تکیه بر شرکت‌های وابسته‌ای چون مایکرواستراتژی، جایگاه برتر خود را در بازار رمزارزها تقویت کرده است. این تمرکز مالکیت در دست نهادهای وابسته به یک کشور، امکان اعمال نفوذ بر قیمت‌گذاری و ایجاد نوسانات مصنوعی را فراهم می‌کند و می‌تواند به ابزاری برای بی‌ثبات کردن اقتصاد کشورهای رقیب بدل شود. از این رو، با توجه به این که کشورهای غیر مسلمان از مهم‌ترین دارندگان بیت‌کوینند و می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در این بازار ایفا کنند، لازم است مسؤولان کشورهای مسلمان با دقت و هوشمندی بیشتری در این حوزه اقدام کنند.

کنترل فناوری و زیرساخت‌های بلاک‌چین و سلطه بر مسلمانان

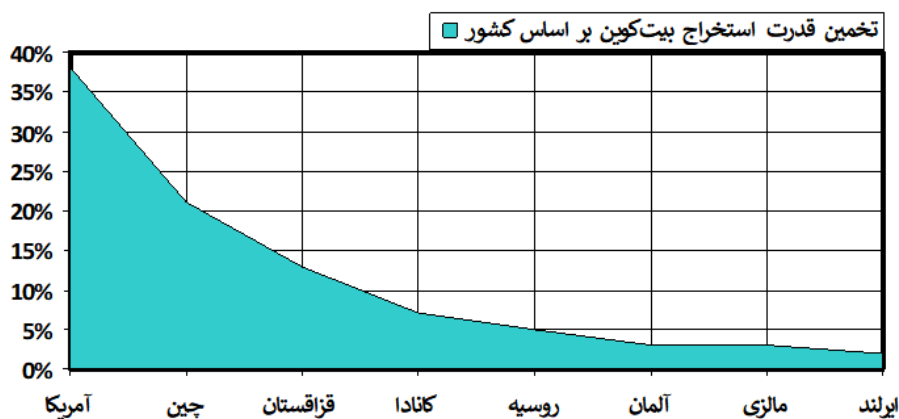
صرف نظر از بحث مالکیت رمزارزها که در مورد قبلی بدان اشاره شد، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا ممکن است کنترل بر رمزارزها، حتی بدون در نظر گرفتن مالکیت آن‌ها، زمینه‌ساز سلطه کفار بر مسلمانان شود؟

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راه‌های تسلط کفار بر مسلمین در حوزه رمزارزها، کنترل فناوری و زیرساخت‌های حیاتی بلاک‌چین است. این کنترل می‌تواند در

قالب‌های مختلفی اعمال شود و تبعات اقتصادی، امنیتی و حتی سیاسی برای جهان اسلام داشته باشد. موارد زیر نمونه‌هایی از شیوه‌های کنترل فناوری و زیرساخت‌های بلاک‌چین به شمار می‌آیند:

الف) صرافی‌های متمرکز؛ ابزاری برای اعمال تحریم‌ها: بیش‌ترین حجم معاملات رمزارزها از طریق صرافی‌های بزرگی هم‌چون بینانس،^{۲۵} کوینبیس^{۲۶} و کراکن^{۲۷} انجام می‌شود که عمدتاً تحت کنترل شرکت‌های آمریکایی و چینی هستند. برخی از این صرافی‌ها بارها کاربران ایرانی را تحریم کرده‌اند. حتی صرافی‌هایی هم‌چون باینس که ادعای غیر متمرکز بودن دارند، تحت فشار دولت‌ها، دسترسی کاربران برخی کشورها را محدود کرده‌اند (theblock, 2023).^{۲۸} این موضوع نشان‌دهنده خطر وابستگی به پلتفرم‌های خارجی است.

ب) انحصار استخراج؛ تهدید امنیت شبکه: استخراج بیت‌کوین و ارزهای دیگر نیازمند سرمایه‌گذاری کلان در سخت‌افزار و انرژی است. بر اساس گزارش مرکز امور مالی جایگزین دانشگاه کمبریج در سپتامبر ۲۰۲۳، ایالات متحده با ۳۸ درصد و کشور چین با ۲۱ درصد، مجموعاً حدود ۶۰ درصد از کل استخراج بیت‌کوین را در جهان انجام می‌دهند.



نمودار شماره دو: تخمین قدرت استخراج بیت‌کوین بر اساس کشور^{۲۹}

این توزیع نشان‌دهنده تمرکز بالای استخراج در چند کشور نوعاً غیر مسلمان است که می‌تواند بر تمرکز قدرت در شبکه تأثیرگذار باشد. شرکت‌های آمریکایی، مانند Marathon Digital و چینی، مانند Bitmain، بخش عمده‌ای از قدرت استخراج جهانی را در اختیار دارند (graniteshares, 2025)^{۳۰} و اگر این شرکت‌ها تحت فشار دولتی قرار گیرند، ممکن است شبکه را تحت تأثیر قرار دهند، حتی احتمال حمله ۵۱٪ در صورت همکاری استخراج‌های استخراج بزرگ وجود دارد (coinspeaker, 2024)^{۳۱}.

ج) استیبل‌کوین‌های دلاری و خطر مسدودسازی دارایی‌ها: استیبل‌کوین‌هایی؛ مانند تر و یواس‌دی‌سی^{۳۲} تحت کنترل شرکت‌های نزدیک به نظام مالی غرب هستند (bloomberg, 2025)^{۳۳}. این دارایی‌های دیجیتال می‌توانند در صورت تحریم، مسدود شده، سرمایه‌کاربران را به خطر بیندازند، حتی احتمال دست‌کاری قیمت‌ها از طریق این استیبل‌کوین‌ها وجود دارد (news.bit2me, 2025)^{۳۴}.

مصارف و کارکردهای رمزارزها و سلطه بر مسلمانان

مالکیت و کنترل رمزارزها تنها راه سلطه کفار بر مسلمانان نیست، بلکه نوع و گستره کارکردهای رمزارزها نیز می‌تواند منجر به سلطه‌پذیری مسلمانان شود. توضیح آن‌که رمزارزها کارکردهای متعددی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. این ارزش‌نظیر بیت‌کوین امکان «انتقال ارزش» را بدون نیاز به بانک‌ها یا سیستم‌های مالی سنتی، مانند سوئیفت^{۳۵} فراهم می‌کنند؛ به‌ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی، برخی کشورها از رمزارزها برای دور زدن تحریم‌ها در معاملات تجاری استفاده کرده‌اند. همکاری ایران و روسیه برای استفاده از رمزارز در تجارت دوجانبه، نمونه‌ای از این کارکردها است (elliptic, 2023)^{۳۶}.

آنچه در کارکردهای رمزارزها اهمیت ویژه‌ای دارد، مبنای معامله قرارگرفتن آن‌ها است. دلار از زمانی که مبنای معاملات بین‌المللی قرار گرفت، قدرت اقتصادی و سیاسی آمریکا را در مبادلات بین‌المللی، به‌طور معناداری افزایش داد. این تجربه نشان می‌دهد، اگر رمزارزی مبنای معاملات بین‌المللی قرار گیرد، ایجادکننده آن یا کشوری که

بیشترین دارایی از آن را در اختیار دارد، مسلط بر دیگر کشورها خواهد بود. پس در صورتی که مسلمانان بتوانند اکثریت این رمزارز را به دست آورند، ظرفیت بسیار بالایی برای کنش‌گری بین‌المللی خواهند یافت، در غیر این صورت، اولاً باید از ایجاد رابطه تنگاتنگ اقتصاد خود با رمزارزهایی هم‌چون بیت‌کوین و وابسته‌سازی به آن بپرهیزند و ثانیاً، حتی در صورت مبادله، مانع از محور قرار گرفتن آن‌ها در مبادلات بین‌المللی خود شوند.

اگر دولت‌های اسلامی در تبادلات مالی خود مجبور به استفاده از این زیرساخت‌های خارجی شوند، عملاً تحت سلطه اطلاعاتی و اقتصادی بیگانگان قرار خواهند گرفت. این تهدید می‌تواند به‌طور مستقیم به سلطه بیگانگان و نقض قاعده نفی سیل منجر شود.

نفوذ فرهنگی و سلطه بر مسلمانان

رمزارزها تنها یک ابزار مالی نیستند، بلکه حامل ارزش‌ها و فرهنگ خاصی هستند که می‌توانند بر جامعه اسلامی تأثیرگذار باشند. یکی از راه‌های نفوذ فرهنگی «ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و سوداگری» است. بسیاری از پروژه‌های رمزارزی بر مفاهیمی؛ مانند «سریع پولدار شدن»^{۳۷} و «معامله‌گری بدون زحمت»^{۳۸} تأکید می‌کنند. مورد دیگر «گسترش قمار»^{۳۹} در قالب بازی‌های بلاک‌چینی» است؛ چراکه بازی‌های موسوم به P2E (Play-to-Earn) اغلب ماهیتی قمارگونه دارند. هم‌چنین پروژه‌هایی، مانند Axie Infinity موجب رواج فرهنگ شانس‌محور شده‌اند. برخی توکن‌ها نیز به‌طور مستقیم با پلتفرم‌های «هرزه‌نگاری»^{۴۰} (مثل OnlyFans Token) پیوند دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این پلتفرم‌ها، با ترکیب محتوای جنسی، قمار و روابط یک‌سویه^{۴۱} - یعنی حالتی که کاربر تصور صمیمیت دارد، اما ارتباط واقعی از سوی مقابل شکل نمی‌گیرد - نوعی اعتیاد رفتاری ایجاد می‌کند و گاه به هدررفت شدید سرمایه و فروپاشی روابط می‌انجامد (addictionresource, 2025).^{۴۲} هنگامی که چنین سازوکارهایی با رمزارز گره می‌خورند، پیوند میان سرمایه‌گذاری، محتوای حرام و هیجان‌ات شبه‌قمار تقویت می‌شود

و می‌تواند در جوامع اسلامی، ضمن اشاعه فرهنگ ناسالم، بستر سلطه و نفوذ فرهنگی بیگانگان را فراهم سازد؛ امری که با قاعده «نفی سبیل» ناسازگار است.

تضعیف پول‌های ملی کشورهای اسلامی و سلطه بر مسلمانان

رمزارها از سه مسیر اصلی، پول ملی کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کنند: الف) جایگزینی پولی: ^{۴۳} وقتی مسلمانان به جای پول ملی (مثل ریال، لیره و دینار) از رمزارها برای معاملات استفاده می‌کنند، عملاً نقش پول ملی کمرنگ می‌شود. به عنوان مثال، بر اساس گزارشی در ۷ فوریه ۲۰۲۵، بحران مالی لبنان، شهروندان را به سمت رمزارها سوق داده است (intellinews, 2025). ^{۴۴} در ترکیه نیز بسیاری به دلیل تورم بالا به استفاده از تتر روی آورده‌اند (ft, 2021). ^{۴۵}

ب) فرار سرمایه: ^{۴۶} «فرار سرمایه» از طریق رمزارها که یکی از پیامدهای مهم تورم و تحریم‌های مالی است، عمدتاً از دو طریق مستقیم رخ می‌دهد:

۱. استخراج و انتقال مستقیم: برخی با بهره‌برداری از امکانات داخلی (مانند برق یارانه‌ای و نیروی انسانی) به استخراج رمزارز پرداخته و دارایی دیجیتال تولیدشده را مستقیماً به خارج انتقال می‌دهند. سپس این دارایی را به دارایی‌های فیزیکی؛ مانند ملک یا سهام تبدیل می‌کنند.

۲. خرید و انتقال مستقیم: برخی نیز با استفاده از پول ملی، رمزارز را از صرافی‌های داخلی خریداری کرده و آن را به خارج منتقل می‌کنند. این کار عمدتاً به دلیل حفظ ارزش دارایی در برابر تورم شدید پول ملی انجام می‌شود. سپس این رمزارزها را به ارزهای خارجی تبدیل کرده یا در اقتصاد کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند. این رفتار نشان‌دهنده واکنش سرمایه‌گذاران به ناطمینانی‌های اقتصادی است (مدرسی طباطبایی یزدی، ۱۴۰۱، ص ۲۰۰).

علاوه بر روش‌های مستقیم، خروج سرمایه ممکن است به‌طور غیر مستقیم و در نتیجه دست‌کاری بازار توسط بازیگران بزرگ بازار رمزارزها (مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری وال‌استریت یا نهنگ‌های چینی) رخ دهد. از آن‌جا که عمده این بازیگران

خارج از جهان اسلام فعالیت می‌کنند، مداخله آنان می‌تواند موجب شود بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد در کشورهای اسلامی - به دلیل فریب تبلیغات بازار رمزارزها - سرمایه خود را از دست بدهند و سرمایه از کشور خارج شود.

بنابراین، روشن می‌شود که فرار سرمایه از طریق رمزارزها نه تنها اقتصاد اسلامی را تضعیف می‌کند، بلکه حاکمیت مالی و استقلال اقتصادی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را در معرض آسیب‌های ناشی از نوسانات بازارهای جهانی و بازیگران بزرگ خارجی قرار می‌دهد.

ج) تهدید امنیت مالی کشورهای اسلامی: برخلاف تصور عمومی، بلاک‌چین‌های عمومی (مانند بیت‌کوین و اتریوم) کاملاً ناشناس نیستند، بلکه «شبه‌ناشناس» هستند. درست است که در دنیای رمزارزها هویت واقعی افراد فاش نمی‌شود، اما هر عملی که کاربر در این بازار انجام می‌دهد، برای همیشه در بلاک‌چین ثبت می‌شود. در واقع محققان، ابزارهای تحلیل بلاک‌چین و حتی کاربران حرفه‌ای می‌توانند با بررسی الگوهای فعالیت، در یابند کاربر از چه صرافی‌هایی استفاده می‌کند، با چه کسانی معامله دارد و حتی کدام کیف‌پول‌ها به او تعلق دارند (nominis, 2025).^{۴۷} این ویژگی می‌تواند موجب «ردیابی تراکنش‌های دولتی» به‌عنوان یک خطر اطلاعاتی شود. سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با ابزارهایی، مانند Chainalysis و Elliptic می‌توانند الگوی پرداخت‌های دولتی را تحلیل کنند. به‌علاوه، امکان «شناسایی کیف‌پول‌های نهادهای حساس» نیز به‌عنوان خطر اطلاعاتی دیگر وجود دارد؛ به طوری که با تحلیل رفتاری می‌توان کیف‌پول‌های متعلق به نهادهای دفاعی، شرکت‌های استراتژیک و شخصیت‌های سیاسی را شناسایی کرد. به‌عنوان نمونه، بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری ایالات متحده^{۴۸} در مارس ۲۰۲۴، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی این وزارتخانه سیزده نهاد و دو فرد را به دلیل فعالیت در بخش‌های خدمات مالی و فناوری اقتصاد فدراسیون روسیه - از جمله افرادی که در توسعه یا ارائه خدمات دارایی‌های مجازی برای فرار از تحریم‌های ایالات متحده نقش داشته‌اند - تحریم کرد (home.treasury, 2024).^{۴۹}

تأثیرگذاری بر قوانین و سیاست‌های بین‌المللی در حوزه رمزارزها و سلطه بر مسلمانان

جریان قاعده «نفی سبیل» در حوزه رمزارزها از مسیر سیاست‌گذاری‌ها، مقررات حقوقی و قوانین حاکم بر زیرساخت‌های مالی نیز قابل بررسی است. طراحی غیر متمرکزگونه بیش‌تر رمزارزها، کشورهای غربی را بر این داشته است تا از طریق قانون‌گذاری‌های گوناگون، امکان اعمال قدرت و جهت‌دهی بر این ارزها را فراهم کنند. در ادامه، برخی از این اقدامات آورده می‌شود:

الف) قوانین مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم: ۵۰ گروه ویژه اقدام مالی^{۵۱} از سال ۲۰۱۹ میلادی قوانین جدیدی برای رمزارزها وضع کرده که یکی از آن‌ها الزام ثبت اطلاعات کامل کاربران^{۵۲} است (fatf-gafi, 2021).^{۵۳} این مقررات به دولت‌ها اجازه می‌دهد اطلاعات مالی کاربران را جمع‌آوری کرده و در صورت لزوم، به‌طور مستقیم به آن دسترسی یابند. علاوه بر این، صرافی‌های رمزارز باید اطلاعات تراکنش‌ها را گزارش دهند.

چنین قوانینی می‌تواند به دولت‌های غربی امکان دهد به داده‌های حساس مالی مسلمانان دسترسی یافته و حتی حساب‌های رمزارزی آنان را مسدود کنند؛ امری که می‌تواند مصداق سلطه اقتصادی و سیاسی بر مسلمانان به شمار آید.

ب) قوانین تحریمی در رمزارزها: کشورهایی؛ مانند آمریکا و اتحادیه اروپا از رمزارزها برای اجرای تحریم‌های اقتصادی بهره می‌گیرند. برای نمونه، خزانه‌داری آمریکا آدرس‌های رمزارزی خاصی را در لیست تحریم‌ها قرار داده و پروژه‌هایی، مانند Tornado Cash را به بهانه پولشویی تحریم کرده است (home.treasury, 2022).^{۵۴} این اقدامات، احتمال مسدود شدن دارایی کاربران کشورهای اسلامی را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود مسلمانان نتوانند به‌طور آزادانه دارایی‌های دیجیتال خود را مدیریت کنند و عملاً تحت فشار اقتصادی قرار گیرند.

ج) سیاست‌های کنترلی و تنظیم مقررات رمزارز: کشورهای غربی در حال تدوین قوانین جدیدی برای کنترل و نظارت بر بازار رمزارزها هستند. برای مثال، لایحه Markets in Crypto-Assets Regulation با هدف تنظیم و نظارت بر

فعالیت‌های رمزارزی در اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۲۳ میلادی به تصویب نهایی پارلمان اروپا رسید (eur-lex.europa, 2023). هم‌چنین نهادهای نظارتی؛ نظیر SEC و CFTC در آمریکا، رمزارزها را تحت نظارت خود قرار داده و آن‌ها را به‌عنوان اوراق بهادار یا کالا طبقه‌بندی کرده‌اند (merklscience, 2024).^{۵۵} این مقررات می‌توانند به ابزاری برای تسلط حقوقی و سیاسی بر شبکه‌های رمزارزی بدل شوند. اگر کشورهای اسلامی به این قوانین وابسته شوند، عملاً تحت سلطه حقوقی و اقتصادی این کشورها قرار خواهند گرفت.

در این میان، بسیاری از کشورهای اسلامی هنوز قوانین مستقلی برای رمزارزها تدوین نکرده و چه‌بسا در انتظار الگوبرداری از غرب باشند. این تأخیر یا تقلید از نظام‌های حقوقی غربی، می‌تواند منجر به وابستگی حقوقی و تبعیت ناخواسته از مقررات بیگانگان شود. تبعیت بی‌اراده از نظامات حقوقی غربی، بدون داشتن استقلال در تدوین مقررات، به‌طور مستقیم مصداق پذیرش سلطه از سوی بیگانگان است و با فلسفه قاعده «نهی سبیل» تعارض دارد.

راهکارهای مقابله با سلطه کفار بر کشورهای مسلمان از طریق رمزارزها

جهان اسلام برای آن‌که بتواند از مزایای فناوری بلاک‌چین (هم‌چون سرعت زیاد مبادلات، حذف واسطه‌ها، کاهش هزینه‌ها از راه‌هایی هم‌چون حذف کارمزد بانک‌ها یا پرداخت‌های بین‌المللی و به‌ویژه دورزدن تحریم‌ها) بهره‌برد، در عین حال در دام سلطه اقتصادی غرب نیز گرفتار نشود، لازم است اقداماتی را در این زمینه در نظر گیرد. در ادامه به برخی از راهکارهای پیشنهادی به منظور جلوگیری از سلطه کفار اشاره می‌شود که در چند سطح فردی، ملی و منطقه‌ای قابل اجرا هستند.

الف) توسعه رمزارزهای اسلامی بومی: یکی از این راهکارها، ایجاد رمزارزهای ملی یا منطقه‌ای با پشتوانه مقررات فقه اسلامی است؛ رمزارزهایی که اولاً به‌گونه غیر متمرکز، اما با نظارت نهادهای مالی اسلامی با هدف سازگاری با شریعت و اجتناب از محرمانه‌ای هم‌چون تبادلات قمار و هرزه‌نگاری طراحی شده باشند؛ ثانیاً قابلیت استفاده

در مبادلات بین منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را داشته باشند. توجه به پروژه‌هایی، مانند «ارز دیجیتال بانک مرکزی»^{۵۶} نشان می‌دهد چنین ابتکاری شدنی است، مشروط بر آن‌که استقلال زیرساختی حفظ شود.

ب) تشکیل اتحادیه مالی کشورهای اسلامی: این اتحادیه می‌تواند با چند کشور پیشرو در فناوری هم‌چون ایران، مالزی، اندونزی، ترکیه و امارات متحده عربی کار خود را شروع کند. تأسیس صرافی مشترک کشورهای اسلامی با میزبانی سازمان همکاری اسلامی^{۵۷} و ایجاد سیستم تسویه حساب بین بانکی اسلامی مبتنی بر فناوری دفتر کل توزیع شده، می‌تواند از اقدامات این بخش باشد. چنین مراوداتی به مرور زمان وابستگی به «جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی» (سوئیفت) را کاهش داده، مبادلات درون‌اسلامی را افزایش می‌دهد و می‌تواند به استقلال کشورهای اسلامی کمک زیادی نماید.

ج) تشکیل شورای عالی فقهی - اقتصادی رمزارزها: یکی از دیگر راهکارهای دست کم ملی در این زمینه تشکیل شورای عالی فقهی - اقتصادی رمزارزها متشکل از فقهای حوزه‌های علمیه، دانشمندان علم حقوق، اقتصاددانان به‌روز، متخصصان امنیت سایبری و برنامه‌نویسان زبده در پنج کمیته تخصصی فقهی، حقوقی، اقتصادی، امنیتی و فنی است. از اقدامات این شورا می‌توان به تدوین «سند راهبردی رمزارزهای امت اسلامی» با محوریت حفظ استقلال مالی و امنیت تراکنش‌ها اشاره کرد. هم‌چنین، توسعه «ابزارهای تحلیل تراکنش‌های شرعی» با قابلیت تشخیص خودکار معاملات ربوی، شناسایی فعالیت‌های قمارگونه و رصد تراکنش‌های مشکوک، از دیگر وظایف مهم این شورا است.

د) آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی: افزایش سواد دیجیتال فعالان اقتصادی، یکی از راهکارهای کلیدی برای مقابله با سلطه فناورانه غرب است. به همین منظور، پیشنهاد می‌شود ضمن تدوین سرفصل‌های آموزشی، ترکیبی از «مهارت‌های بلاک‌چین» و «اقتصاد اسلامی» در دانشگاه‌های جهان اسلام (یا دست کم در کشور)، سازوکاری برای تربیت متخصصان در این زمینه فراهم شود. چنین برنامه‌هایی، وابستگی به نیروی

متخصص خارجی را کاهش داده و زمینه‌ساز نوآوری‌های بومی در عرصه فین‌تک^{۵۸} اسلامی (فناوری‌های مالی منطبق با شریعت) خواهد بود.

ه) تقویت همکاری‌های حقوقی و نظارتی در جهان اسلام: کشورهای اسلامی لازم است چارچوبی مشترک برای قانون‌گذاری و نظارت بر بازار رمزارزها تدوین کنند تا در برابر فشارها و مقررات یک‌جانبه غربی، از موضعی هماهنگ برخوردار باشند. این همکاری می‌تواند شامل تبادل تجربه، ایجاد پایگاه‌های داده مشترک و تعریف استانداردهای واحد برای شفافیت و امنیت تراکنش‌ها باشد. چنین هم‌افزایی، علاوه بر کاهش وابستگی به چارچوب‌های حقوقی بیگانگان، می‌تواند توان نظارتی کشورهای اسلامی را در مدیریت بازار رمزارزها به‌طور چشم‌گیری افزایش دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی قاعده نفی سبیل و تطبیق آن با پدیده نوظهور رمزارزها نشان می‌دهد:

۱. پشتوانه قاعده «نفی سبیل» بر خلاف مشهور آیه «نفی سبیل» و روایت «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» نیست، بلکه روایات متعدد و خاصی است که در ابواب مختلف فقهی وارد شده و تسلط‌یافتن کافر بر مسلمان را ممنوع اعلام کرده است، از آن‌جا که این روایات اختصاص به باب خاصی ندارد، می‌توان با تنقیح مناط قطعی چنین محتوایی را به سایر ابواب فقهی هم قابل تعمیم دانست.

۲. «نفی سبیل» به معنای نفی هرگونه ارتباط و تعامل مؤمنان با کفار نیست، بلکه اصل اولی بر رابطه صلح‌آمیز با دولت‌های غیر مسلمان است و تنها آن ارتباط و تعاملی را نفی می‌کند که منجر به سلطه و غلبه کافران بر مؤمنان می‌گردد. بارزترین انواع سلطه عبارت است از: ۱. سلطه نظامی؛ ۲. سلطه سیاسی؛ ۳. سلطه فرهنگی و ۴. سلطه اقتصادی. بی‌تردید قاعده «نفی سبیل» تمامی انواع این سلطه‌ها را نفی می‌کند. هرچند که به‌نوعی این موارد با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند و ایجاد سلطه در یک بُعد می‌تواند در ایجاد سلطه در ابعاد دیگر نیز مستقیم یا غیر مستقیم تأثیرگذار باشد.

۳. رمزارزها به‌رغم مزایای متعدد، می‌توانند به ابزاری برای سلطه اقتصادی، فرهنگی

و اطلاعاتی کشورهای غیر مسلمان بر جهان اسلام تبدیل شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت رمزارزهای کلیدی، مانند بیت‌کوین در دست کشورهای غربی (آمریکا با ۲۰۷،۱۸۹ BTC و چین با ۱۹۴،۰۰۰ BTC)، کنترل صرافی‌های متمرکز توسط شرکت‌های غربی و اعمال تحریم علیه کاربران مسلمان، تسلط بر استانداردهای فنی و قوانین بین‌المللی حوزه رمزارزها و وابستگی به استیبل‌کوین‌های دلاری و پلتفرم‌های خارجی، همگی مصادیق بارز نقض قاعده «نفی سبیل» هستند. همچنین خطرهای امنیتی ناشی از شبه‌ناشناس بودن بلاک‌چین و امکان ردیابی تراکنش‌های حساس توسط نهادهای خارجی، امنیت مالی کشورهای اسلامی را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

۴. راهکارهای پیشنهادی این مطالعه در سه سطح قابل اجرا هستند: ۱. در سطح ملی: توسعه رمزارزهای بومی اسلامی با نظارت نهادهای شرعی و تدوین قوانین مستقل برای کاهش وابستگی به چارچوب‌های حقوقی غرب. ۲. در سطح منطقه‌ای: تشکیل اتحادیه مالی کشورهای اسلامی با محوریت سازمان همکاری اسلامی و ایجاد سیستم تسویه حساب بین بانکی مبتنی بر فناوری دفتر کل توزیع شده. ۳. در سطح بین‌المللی: دیپلماسی فعال برای تغییر قوانین ناعادلانه و تقویت همکاری‌های حقوقی و نظارتی جهت ایفای نقش در استانداردسازی جهانی.

۵. تحلیل فقهی پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از رمزارزها در صورتی که بتوان چالش‌های پیرامونی را کنترل و برای مقابله با آنها برنامه‌ریزی کرد، منعی ندارد، اما وابستگی به زیرساخت‌های خارجی (اعم از فنی، مالی و حقوقی) که منجر به سلطه بیگانگان شود، ناقض قاعده «نفی سبیل» خواهد بود. به دیگر بیان، زمانی قاعده نفی سبیل جاری می‌شود که بحث از سلطه پیش آید و صرف معامله رمزارزها، مصداق سلطه نبوده و لذا نمی‌تواند موجب جریان قاعده شود. در نهایت، موفقیت جهان اسلام در این عرصه مستلزم تربیت نیروی متخصص، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های بومی و همکاری‌های منطقه‌ای هوشمندانه برای خلق یک اکوسیستم مالی مقاوم و مستقل است.

یادداشت‌ها

۱. البته این‌گونه نیست که هر جا شرطیت اسلام مطرح شده، لزوماً ارتباط با نفی سبیل داشته باشد. به عنوان مثال، از نظر فقهی ذابح باید مسلمان باشد، اما چنین مطلبی ارتباطی با مسأله نفی سبیل ندارد (سیدمجتبی نورمفیدی، درس قواعد فقهیه، ۱۴۰۲/۷/۸).

2. BTC.

۳. به نظر می‌رسد ترجمه‌های ارائه‌شده از آیه شریفه، مانند «خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است» یا «خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است»، دقیق نیستند و به احتمال زیاد تحت تأثیر پیش‌فرض‌های ذهنی بر گرفته از برداشت رایج از آیه - به‌عنوان مستند قاعده «نفی سبیل» - شکل گرفته‌اند.

۴. بر اساس این احتمال، مقصود از جعل، «جعل تکوینی» و بدین معناست که کافران به طور تکوینی نخواهند توانست بر مؤمنان غلبه یافته و دولت آن‌ها را نابود سازند (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۹۶ و محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۴۲۰).

۵. با این‌که شیخ انصاری در استناد به آیه شریفه خدشه می‌کند، اما در ادامه مکرراً از نفی سبیل یاد می‌کند و هم‌چون کسانی برخورد می‌کند که دلالت آیه را بر وفاق مشهور پذیرفته است. تنها توجیه کار شیخ انصاری نسبت به این ناهم‌سوئی آن است که ایشان به دلیل اعتقادش به جبر ضعف دلالت دلیل با عمل مشهور، در نهایت، دلالت آیه را بر مفاد قاعده پذیرفته است (ابوالقاسم علیدوست، فقه و حقوق قراردادها، ص ۴۱۰).

۶. البته، گاهی مسأله به این سادگی نیست. ممکن است رابطه‌ای در ظاهر و به شکل موقت، مصداق سلطه‌پذیری مسلمانان نسبت به کافران باشد، اما در بلندمدت منافی برای مسلمانان به همراه داشته باشد. هم‌چنین ممکن است برقراری رابطه‌ای در اصل نادرست باشد، اما به منظور دفع مفسده‌ای بزرگ‌تر انجام شود. از این‌رو، این پرسش پیش می‌آید که آیا می‌توان با استناد به قاعده «نفی سبیل»، چنین روابطی را به‌طور مطلق باطل دانست؟ به نظر می‌رسد به دلیل پیچیدگی و چندلایه‌بودن موضوعات، تشخیص مصادیق نفی سبیل نیازمند بررسی‌های دقیق و کارشناسانه است.

7. Cryptocurrencies.

8. Not Every “Crypto” Is Decentralized.

9. XRP.
10. USDT.
11. ETH.
12. Ethereum Foundation.
13. Types of Blockchain.
14. Did the NSA create Bitcoin?
15. Did the NSA create Bitcoin?
16. Glenn M. Lilly.
17. How To Make A Mint: The Cryptography Of Anonymous Electronic Cash.
18. Did the NSA create Bitcoin?
19. Demystifying Satoshi Nakamoto: The Pursuit of Bitcoin's Mysterious Founder.
20. Demystifying Satoshi Nakamoto: The Pursuit of Bitcoin's Mysterious Founder.
21. <https://bitbo.io/how-many-bitcoin>.
22. Who owns the most Bitcoin in 2025? The rich list revealed.
23. MicroStrategy.
24. <https://bitbo.io/treasuries/microstrategy>.
25. Binance.
26. Coinbase.
27. Kraken.
28. Binance: 'Thousands' of accounts blocked needlessly.
29. <https://bitbo.io/tools/mining-by-country>.
30. Behind MARA's Massive Bitcoin Mining Setup.
31. Bitmain's Dominance in Bitcoin Mining Faces New Threats.
32. USDC.
33. What Are Stablecoins and Why Are Regulators Wary?
34. These cryptos can be blocked: the hidden side of stablecoins.
35. SWIFT.

36. Iran and Russia exploring cross-border stablecoin settlements.
37. Get-Rich-Quick.
38. Effortless Trading.
39. Gambling.
40. Pornography.
41. Parasocial Relationships.
42. OnlyFans Addiction: The Rise of a New Porn Addiction.
43. Currency Substitution.
44. Lebanon's financial crisis drives citizens toward cryptocurrency.
45. Turkey's cryptocurrency crackdown gathers pace as lira falls.
46. Capital Flight.
47. Crypto Isn't Anonymous - It's Pseudonymous. Here's Why That Matters.
48. OFAC.
49. Treasury Designates Russian Companies Supporting Sanctions Evasion Through Virtual Asset Services and Technology Procurement.
50. AML/CFT.
51. FATF.
52. KYC.
53. Guidance for a Risk-Based Approach to Virtual Assets and Virtual Asset Service Providers.
54. U.S. Treasury Sanctions Notorious Virtual Currency Mixer Tornado Cash.
55. CFTC vs. SEC: Navigating Regulatory Overlap in the Crypto Market.
56. CBDC.
57. OIC.
58. FinTech.

منابع و مأخذ

* قرآن كريم

۱. ابن اثير جزرى، مبارك بن محمد، **النهاية فى غريب الحديث و الأثر**، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۶۷.
۲. ابن حيون، نعمان، **دعائم الإسلام**، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن زنجويه، حميد بن مخلد، **الأموال**، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۷ق.
۴. ابن زهره، حمزة بن على، **غنية النزوع إلى علمى الأصول والفروع**، ج ۱، قم: مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام، ۱۴۱۷ق.
۵. ابن عاشور، محمدطاهر، **التحرير و التنوير تفسير ابن عاشور**، ج ۴، بيروت: فرهنگ نشر نو، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن عربى، محمد، **أحكام القرآن**، با تحقيق على محمد بجاوى، ج ۱، بيروت: دار الجيل، ۱۴۰۸ق.
۷. ابن فهد حلى، احمد بن محمد، **المهذب البارع فى شرح المختصر النافع**، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۷ق.
۸. ابن منظور، محمد، **لسان العرب**، ج ۱۱، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۹. ابويعيد، قاسم بن سلام، **الأموال**، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۸ق.
۱۰. امام خمينى، سيدروح الله، **كتاب البيع**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام، ۱۴۲۱ق.
۱۱. انصارى، مرتضى، **كتاب المكاسب**، ج ۳، قم: تراث الشيخ الأعظم، ۱۴۱۹ق.
۱۲. بخارى، محمد بن اسماعيل، **صحیح البخارى**، ج ۲، قاهره: جمهورية مصر العربية، ۱۴۱۰ق.
۱۳. جوينى، عبدالملك، **نهاية المطلب فى دراية المذهب**، ج ۱۷، جده: دار المنهاج، ۱۴۲۸ق.
۱۴. حاجى ملاميرزاىى، حامد، **بلاك چين**، تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه على دفاع ملى و تحقيقات راهبرى، ۱۳۹۹.
۱۵. حاجى ملاميرزاىى، حامد؛ نجفى جزه، حامد و بابك، محمد، «الگوی خط مشى گذارى رمزارزها در جمهورى اسلامى ايران با تأكيد بر تهديدات امنيتى - اقتصادى رمزارزها»، **اقتصاد دفاع و توسعه پايدار**، دوره هفتم، ش ۲۵، ۱۴۰۱.
۱۶. حسينى مراغى، سيدعبدالفتاح، **العناوين الفقهيّة**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۷ق.

۱۷. حکیم، سیدمحسن، **نهج الفقاهة**، قم: ۲۲ بهمن، بی تا.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم، **مصباح الفقاهة**، ج ۵، قم: داوری، ۱۳۷۷.
۱۹. رازی، فخرالدین، **التفسیر الكبير مفاتيح الغیب**، ج ۱۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ج ۱۲ و ۱۳، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۲. طاهری، حبیب الله، **قواعد فقه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۳. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم، **حاشیة المکاسب**، ج ۱، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۳۷۰.
۲۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۳، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۲۷. طوسی، محمدبن حسن، **الخلاف**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، بی تا.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن، **المبسوط فی فقه الإمامیة**، ج ۳، تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن، **تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة**، ج ۷، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، **نهج الحقّ و كشف الصدق**، بیروت: دار الكتاب اللبنانی، ۱۹۸۲م.
۳۲. علیدوست، ابوالقاسم، **فقه و حقوق قراردادها**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی، **قواعد فقه بخش حقوق خصوصی**، ج ۳، تهران: سمت، ۱۳۸۸.

۳۴. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهية، قم: مركز فقه الأئمة الأطهار عليه السلام، ۱۳۸۳.
۳۵. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۳۶. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۷ و ۷، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۷. ماوردي، علي بن محمد، الأحكام السلطانية، قاهره: دار الحديث، بی تا.
۳۸. مجلسي، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، ج ۲۰، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۳۹. محبی پور، نرجس خاتون؛ زارع، مهدی؛ رضائی، محمد و خسروی نیا، بابک، «ارزهای دیجیتال از منظر فقه، با تأکید بر استخراج، معاملات و مشروعیت»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره دهم، ش ۵، ۱۴۰۱.
۴۰. محقق داماد، سیدمصطفی، فقه استدلالی جزایی تطبیقی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۸.
۴۱. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه بخش عمومی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۹.
۴۲. محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۸، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۴ق.
۴۳. مدرسی طباطبایی یزدی، سیدمحمدرضا، فقه رمزارزها، قم: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۱.
۴۴. مروی، جواد، فقه رمزارزها، قم: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۱ق.
۴۵. مصطفوی، سیدمحمدکاظم، القواعد: مائة قاعدة فقهية معنی و مدرکاً و مورداً، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۲۱ق.
۴۶. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامي، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليه السلام، ج ۱۳، قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامي، ۱۴۲۳ق.
۴۷. موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهية، ج ۱، قم: الهادی، ۱۳۷۷.
۴۸. نجفی، محمدحسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۷، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۶۲.
۴۹. نورمفیدی، سیدمجتبی، درس قواعد فقهیه، ۱۴۰۲/۰۷/۰۸: <https://www.m-noormofidi.com>

50. <https://www.addictionresource.net>.
51. <https://www.bitbo.io>.
52. <https://www.bloomberg.com>.
53. <https://www.coinspeaker.com>.
54. <https://www.cointelegraph.com>.
55. <https://www.elliptic.co>.
56. <https://www.eur-lex.europa.eu>.
57. <https://www.fatf-gafi.org>.
58. <https://www.ft.com>.
59. <https://www.geeksforgeeks.org>.
60. <https://www.graniteshares.com>.
61. <https://www.home.treasury.gov>.
62. <https://www.intellinews.com>.
63. <https://www.merklescience.com>.
64. <https://www.news.bit2me.com>.
65. <https://www.nominis.io>.
66. <https://www.theblock.co>.
67. <https://www.weareinnovation.global>.